

# تراژدی مرگ در باغ وحش ارم

«لنوو»، توله شیری که در مسیر قاچاق سر از خانه یک ورزشکار درآورده بود، توسط هم‌نوعانش در باغ وحش کشته شد



## تجدیدپذیرها گرفتار بی پولی

چرا آمار حوادث کار مخدوش، ناکافی میهم و متناقض هستند؟

## هر روز ۶ کارگر بی صدا جان می دهند

ایجاد کمیته بین المللی برای دسترسی آزاد به میراث فرهنگی مستند

## وقت تکاندن خاک آرشیوهاست

## دو قران برای علاءالدوله

نگاهی به سیر تحول و تطور پوسته های فیلم به بهانه روز ملی سینما



## چگونه ممنوعیت شبکه های اجتماعی به انقلاب تبدیل شد؟

# اعتراض نسل Z در نیال



### خبر

## سیاست های توسعه ای عامل بی عدالتی محیط زیستی

دستیار رئیس جمهور در امور اجتماعی:

دستیار رئیس جمهور در امور اجتماعی با اشاره به نقش فقر و محیط زیست در سلامت عمومی بی عدالتی زیست محیطی حاصل آثار سیاست های توسعه ای، شهری و صنعتی دانست. «علی ربیعی»، دربار جایگاه عدالت زیست محیطی در سیاست گذاری های اجتماعی دولت، گفت: «تعیین کننده های سلامت در مطالعات جهانی سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۷ نشان می دهد که فقر و محیط زیست نقش تعیین کننده ای در سلامت عمومی دارند. اما هیچ دولتی مردم را از محیط زیست محروم نمی کند؛ بی عدالتی زیست محیطی حاصل آثار سیاست های توسعه ای، شهری و صنعتی است.» او با اشاره به تأثیر محیط زیست بر سلامت عمومی، بر اثرگذاری اقدامات هر یک از دستگاه های اجرایی گفت: «دستگاه ها باید از هماهنگی و همکاری برخوردار باشند تا پیامد سیاست های یک دستگاه، به دستگاه دیگر آسیب نرساند.» ربیعی با اشاره به نقش مهم پیوسته های زیست محیطی در جلوگیری از آسیب هر یک از دستگاه های اجرایی به محیط زیست، اظهار کرد: «اجرای پیوسته های زیست محیطی باید به ثمر برسد و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نیز پیگیری اجرای این پیوسته ها است. به طور طبیعی هر دستگاهی باید فعالیت خود را انجام دهد؛ معدن باید معدن خود را بسازد و پتروشیمی هم به همین ترتیب و این پیوسته های زیست محیطی است که محیط زیست را از آسیبها مصون نگه می دارد.» «بی عدالتی زیست محیطی در موارد دیگری نیز به این شکل پدیدار می شود که گروهی بهره بیشتری از منابع می برند؛ البته بخش دیگری هم به عدم درک عمومی و ملی از اهمیت محیط زیست بازمی گردد و متأسفانه در مواردی منافع شخصی بر منافع عمومی غلبه کرده است. نمونه اش فردی است که هم بدهکار صندوق فولاد بود و هم ۲۰۰ میلیارد تومان از آنجا گرفت و وارد ساخت پتروشیمی شده بود؛ این یعنی تسلط منافع مادی بر منفعت عمومی و می توان از جمله بی عدالتی زیست محیطی برشمرد.» دستیار رئیس جمهوری در امور اجتماعی، در بخش دیگری از سخنانش به ضعف فرهنگ محیط زیستی اشاره کرد و گفت: «متأسفانه جامعه نیز فرهنگ حفاظت از محیط زیست را به درستی ادراک نکرده است. وقتی فردی بی محابا آب مصرف یا چاه غیرمجاز حفر می کند، یا دستگاه ماینر نصب

### خبر

## مشورت علمی و صرفه جویی راه مقابله با بحران انرژی

رئیس جمهور در اردبیل:

ایمام ما| رئیس جمهور در سفر به استان اردبیل با اشاره به با بحران هایی چون کمبود آب، ناترازی انرژی و فشارهای اقتصادی، راجل مقابله با این بحران ها را مشورت علمی، صرفه جویی و استفاده درست از ظرفیتها دانست. «مسعود پزشکیان»، در سفر به استان اردبیل و در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه این استان، با تأکید بر اینکه مدیریت نباید برپایه رفاهت، قومیت یا جناح گرایی باشد بلکه باید به اهل تخصص و شایستگی سپرده شود، گفت: «امروز با بحران هایی چون کمبود آب، ناترازی انرژی و فشارهای اقتصادی مواجهیم و تنها با مشورت علمی، صرفه جویی و استفاده درست از ظرفیتها می توانیم آینده ای روشن برای کشور بسازیم؛ هرکس توان حل مشکلات مردم را دارد، باید میدان دار شود و ما وظیفه داریم امکانات را در اختیار او بگذاریم.» رئیس جمهور افزود: «کارهایی که باید شکل بگیرد، نیازمند بررسی کارشناسی است. گزارش ها ارائه شد و شما شنیدید، اما آنچه می خواهم خدمت شما عرض کنم فراتر از این گزارشهاست. شما مدیران این استان هستید و باید نگاه عمیق تری به موضوع داشته باشید. حضرت فرمودند «رحم الله امرأ عرف نفسه» خدا رحمت کند کسی را که خود را شناخت. همه کتابهای مدیریت و توسعه، شرح و تفسیر همین بیان است؛ یعنی انسان باید خود را بشناسد، بداند کجا بوده، کجا ایستاده و به کجا می خواهد برود.» پزشکیان ادامه داد: «در مدیریت، از ارزیابی یا سیتویشن آنالیز سخن می گویند؛ نقاط قوت چیست، ضعفها کدام است، تهدیدها کجا هستند. وقتی خود را شناختید، آن گاه می توانید مسیر را مشخص کنید. شما به عنوان مدیر باید بدانید چه مقدار خاک، چه میزان آب، چه وسعت کوهستان و چه میزان اراضی دیم در اختیار دارید، سپس تصمیم بگیرید که چگونه این استان را بهترین شکل مدیریت کنید.» او ادامه داد: «ما باید نقشه ای داشته باشیم برای ۵۰ تا ۶۰ سال آینده. تصمیم بگیریم می خواهیم استان را به چه جایگاهی برسانیم و این جایگاه با چشم اندازی که مقام معظم رهبری تعیین کرده بودند، هماهنگ باشد. ما باید تا سال ۱۴۰۴ به نقطه ای می رسیدیم که نرسیدیم، بلکه عقب تر هم رفتیم. این نشان می دهد نگاه ما مشکل داشته، نقشه درستی ترسیم نکرده ایم یا اگر ترسیم کردیم، در مسیر آن حرکت نکرده ایم.» پزشکیان همچنین در نشست توسعه عدالت آموزشی، با اشاره به ظرفیت های عظیم نهفته در نسل جوان تصریح کرد: «واقعیت این است که بهجای ما گنجینه هایی از طلا هستند؛ بلکه بازرش تر از طلا. هر معدنی که بخواهیم مثال بزینم، در وجود این انسانها نهفته است. فقط کسی باید بیاید، این معدن را استخراج کند، بکاود و آن را به ظهور برساند. این ما هستیم که باید زمینه شکوفایی این استعدادها را فراهم کنیم، اگر بتوانیم به درستی با این نسل کار کنیم، در عالی ترین سطح ممکن جامعه ای پیشرفته خواهیم ساخت و اگر نتوانیم، در بدترین حالت ممکن

### خبر

## کشف سنگ نگاره «بزرگ زاده ساسانی»

«ابوالحسن اتابکی»، زبان شناس، از کشف یکی از زیباترین و کوچکترین سنگ نگاره های اواخر دوره ساسانی با قدمت بیش از ۱۵۰۰ سال خبر داد که روی صخره های دشت مرودشت حجاری شده است. او درباره سنگ نگاره کشف شده گفت: «دشت مرودشت با خاستگاه سه تمدن بزرگ «اتاشانی»، «هخامنشی» و «ساسانی»، بیشترین و متنوع ترین آثار تاریخی فلات ایران را در خود جای داده است. به همین دلیل، ما توانستیم تا به امروز بیش از پنجاه اثر تاریخی (که بیشتر سنگ نبشته های ساسانی هستند) را در دشت مرودشت کشف و مورد بررسی قرار دهیم. سنگ نگاره کشف شده، پیکره یکی از «بزرگ زادگان ساسانی» را در «قالب نقش سوزنی» به تصویر کشیده است. این یافته می تواند به نوعی دگرگونی بنیادینی در سبک شناسی و تقسیم بندی هنر «سنگ نگاره های ساسانی» ایجاد کند؛ بدین معنا که ما دیگر با نقوش سوزنی شاهان مستقل پارس (دوره سوم) و نخستین شاهان ساسانی در کاخ های تخت جمشید روبه رو نیستیم. بلکه این نقوش سوزنی (که در آینده برخی از آنها انتشار خواهند یافت) همگی مربوط به «اواخر دوره ساسانی» هستند که ویژگی های «ترکیب بندی» و «تقابل» هنر سنگ نگاره های ساسانی را همچنان حفظ کرده اند.» «نجمه ابراهیمی»، پژوهشگر تاریخ، با اشاره به اینکه سنگ نگاره ها از مستندات با اهمیت باستان شناسی به شمار می روند و بازنمایی از ظرافت هنری و اوضاع سیاسی-اجتماعی زمان خود هستند، گفت: «این نقش سوزنی با «نگاره مردی نیم رخ» در ابعاد کوچک ۵×۴ سانتی متر با ظرافت خاصی حجاری شده است، اما بخش هایی از آن به وسیله یک نقش دوره اسلامی تا حدودی دچار آسیب شده است. گردبند مرصع و دارای آویز زیبا، «روبان های موج» و «لباس فاخری» که در این نقش حجاری شده، نشان می دهد این شخص به گمان یکی از «بزرگ زادگان» یا «اسواران» اواخر دوره ساسانی در شهر استخر و ایالت پارس بوده است.» ایشیستان



«لئو»، توله‌شیری که در مسیر قاچاق سر از خانه یک ورزشکار درآورده بود، توسط هم‌نوعانش در باغ‌وحش ارم کشته شد

# تراژدی مرگ در باغ‌وحش ارم

دوستان حیات‌وحش از سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌خواهند گزارش تلفات باغ‌وحش‌های ایران در سه سال گذشته را اعلام کند و توضیح دهد چه اقدامات بازدارنده‌ای داشته است؟



صفحه‌شماری اسپین‌زنجیری

یک خبر مرگ دیگر از باغ‌وحش ارم آمد. این بار «لئو» توله‌شیر برحاشیه یک سال گذشته، توسط هم‌نوعانش در این باغ‌وحش کشته شده است. آبان‌ماه پارسال یکی از ورزشکاران رزمی فیلم‌هایی از این توله‌شیر در خانه‌اش منتشر کرد. بعد از انتشار این فیلم و واکنش فعالان حقوق حیوانات به حضور این حیوان در خانه این ورزشکار، سازمان حفاظت محیط‌زیست مجبور به مداخله شد. پس از حواشی بسیار، مانند عکس گرفتن فرمانده وقت یگان حفاظت محیط‌زیست با این ورزشکار و بی‌اطلاع جلوه دادن این ورزشکار از قانون، در نهایت با فشار افکار عمومی، اسفندماه پارسال توله‌شیر به باغ‌وحش ارم سپرده شد. حالا تنها هفت ماه بعد از انتقال این توله‌شیر به باغ‌وحش خبر آمده که با شیرهای دیگر درگیر و کشته شده است. این خبر یکبار دیگر نظارت ضعیف بر باغ‌وحش‌ها و بی‌توجهی به وضعیت نگهداری گونه‌ها را مطرح کرده است.

محیط‌زیست لئو را خواهد کشت؛ جملهای که متأسفانه چندان هم بی‌پایه نبود.

باز هم سازمان حفاظت محیط‌زیست تحت فشار افکار عمومی قرار گرفت و این بار توله‌شیر را ضبط کردند و فرمانده وقت یگان حفاظت محیط‌زیست، اواخر اسفند سال قبل، باز هم مقابل دوربین قرار گرفت و دلایل این اقدام را توضیح داد.

### تکلیف توله‌شیر چه شد؟

سازمان حفاظت محیط‌زیست با بودجه محدودش زیرساخت و سازوکاری برای نگهداری از این حیوانات ندارد و توله‌شیر به باغ‌وحش ارم تحویل داده شد. باغ‌وحش ارم تهران، یکی از مراکز مورد لطف و عنایت سازمان حفاظت محیط‌زیست است که هر اتفاقی در آنجا بیفتد، باز هم سختگیری‌ای در کار نیست و ماجرا به فراموشی سپرده می‌شود.

از آن طرف، باغ‌وحش ارم دنبال بهره‌برداری تبلیغاتی از ماجرا هم بود. ارم، ویدئویی در صفحه رسمی خود منتشر کرد که در آن علی‌اکبری وسط باغ‌وحش ارم از رسیدگی به توله‌شیر و وضعیت مناسب این باغ‌وحش تشکر می‌کند که بعداً ارم این ویدئو را از صفحه مجازی‌اش حذف کرد.

حیوان را به دندان گرفته و به داخل کشیده‌اند و در پی آن در بالا رفته و لئو بطور کامل وارد قفس مجاور شده و در درگیری پیش‌آمده، از پای درآمده است.

آثار دندان شیرها روی جمجمه و نای لئو وجود دارد، چه فرجام دردناکی!

کشته شدن لئو، اولین و آخرین فاجعه باغ‌وحش‌ها نبوده و نیست و بدون تردید، اگر پای مالک معروف توله‌شیر در میان نبود، محیط‌زیست صحبتی از طرح شکایت هم نمی‌کرد و البته نتیجه این شکایت نامدین نیز تقریباً از پیش معلوم است و به‌احتمال زیاد ارم تیرنه خواهد شد.

جدا از این حادثه و مرگ این توله‌شیر، سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز در این ماجرا با چند پرسش جدی روبروست:

۱. باغ‌وحش ارم در طرح رتبه‌بندی باغ‌وحش‌ها که چندین سال است در دولت قبل و فعلی مطرح بوده، با اختلاف بالاترین امتیاز را کسب کرده است.

اتهام مطرح‌شده توسط محیط‌زیست تهران مبنی بر «سهل‌انگاری و قصور در مدیریت و نگهداری گونه‌های حیات‌وحش، شرایط نگهداری، نظارت ضعیف و عدم تفکیک مناسب حیوانات» نشان می‌دهد این رتبه‌بندی‌ها بی‌پایه و انتقاد فعالان این حوزه به طرح رتبه‌بندی باغ‌وحش‌ها درست است.

۲. سازمان حفاظت محیط‌زیست، براساس ماهیت ذاتی خود، نظارت بر باغ‌وحش‌ها را برعهده دارد. در کدام گزارش بازدید کارشناسان محیط‌زیست، به ریسک وجود این دریاچه میان دو جایگاه اشاره شده؟ اگر آن را ندیده‌اند، دلیل آن چه بوده و اگر دیده‌اند، چرا برطرف نشده؟ اصولاً ارزیابی ریسک جایی در این فرایند دارد؟

۳. باغ‌وحش ارم سابقه مرگ‌ومیرهای عجیب و منحصر به فرد حیوانات را در کارنامه دارد: کشته شدن «کولین»، ببر سفید، توسط هم‌نوعانش با قصه‌ای مشابه مرگ لئو. کشته شدن شامپانزهای به اسم «شمسی» توسط هم‌نوعانش. مرگ «هیرمان»، شیر ایرانی. مرگ دور از ذهن «ماوی»، ماده پلنگ جوان و ...

سازمان حفاظت محیط‌زیست برای پیشگیری از این مرگ‌ومیرهای متوالی و پرشمار چه اقدام بازدارنده‌ای انجام داده؟

اگر یحیی مالک توله‌شیر، یعنی امیر علی‌اکبری در میان نبود، همین شکایت نمادین و بی‌اثر هم انجام نمی‌شد و مرگ این شیر مانند دهها مرگ دیگر باغ‌وحش‌ها توجه عموم را به خود جلب نمی‌کرد.

برای شفاف شدن ماجرا، به سازمان حفاظت محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود گزارش تلفات باغ‌وحش‌های ایران در سه سال گذشته را اعلام کند و توضیح دهد چه اقدامات بازدارنده‌ای برای آن داشته است.

۴. سازمان حفاظت محیط‌زیست برای نگهداری گونه‌های کشف‌شده هیچ زیرساختی ندارد و اگر همین الان مجدداً توله‌شیری در تهران از متخلف کشف و ضبط شود، باز هم باغ‌وحش ارم یکی از مقاصد انتقال و نگهداری خواهد بود؟ با این حجم از وابستگی، بحث طرح شکایت از ارم چندان جدی نیست.

۵. سازمان حفاظت محیط‌زیست خود در ابتدایی‌ترین اصول نگهداری از حیات‌وحش مشکل دارد.

هنوز فراموش نکرده‌ایم که اسمال یک توله‌خرس قهوه‌ای در مرکز تیمار و مراقبت پردیسان تهران درست جلوی چشم سازمان مفقود شد و هرگز رد و نشانی از آن به‌دست نیامد؛ اتفاقی که در دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین باغ‌وحش‌های کشور نیز نظیر نداشته است. اگر این اتفاق در یک باغ‌وحش رخ داده بود، سازمان با آنجا چه می‌کرد؟

ماجرا ی لئو فقط یک تراژدی شخصی نیست، بلکه بخشی از زنجیره‌ای تکراری است: قاچاقچی حیوان سود خود را می‌برد، پوست حیوان تا کسب‌درمی و فروخته می‌شود و این چرخه ادامه می‌یابد. البته خریدار توله‌حیوان قاچاق‌شده نیز در این چرخه اشتباه سهیم است. بازنده همیشگی ماجرا هم حیوانی است که باید زندگی می‌کرد.

مرگ لئو تلنگری دوباره است: نه‌فقط برای باغ‌وحش ارم، بلکه برای سیستمی که باید پاسدار حیات‌وحش باشد، اما بارها نشان داده در برخی وظایفش موفق نیست.

باغ‌وحش ارم سابقه مرگ‌ومیرهای عجیب و منحصر به‌فرد حیوانات را در کارنامه دارد: کشته شدن «کولین»، ببر سفید، توسط هم‌نوعانش با قصه‌ای مشابه مرگ لئو. کشته شدن شامپانزهای به اسم «شمسی» توسط هم‌نوعانش. مرگ «هیرمان» شیر ایرانی. مرگ دور از ذهن «ماوی»، ماده پلنگ جوان و ...



## یادداشت

### سینما، زیست‌بوم و آگاهی جمعی



ایلا فولادپور | مستندساز

در شرایطی که بحران‌های زیست‌محیطی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قرن بیست‌ویکم بدل شده‌اند، نقش رسانه‌ها در ایجاد حساسیت اجتماعی و تغییر رفتار عمومی غیرقابل‌انکار است. سینما به‌عنوان هنری فراگیر و تأثیرگذار، ظرفیت بی‌نظیری برای انتقال مفاهیم محیط‌زیستی دارد. با این حال، در ایران هنوز جای خالی اختصاص سانس‌هایی ویژه برای نمایش مستندها و فیلم‌های محیط‌زیستی در سالن‌های سینما احساس می‌شود.

اختصاص چنین سانس‌هایی، صرفاً اقدامی فرهنگی نیست، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شود. پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد تماشای آثار سینمایی محیط‌زیستی می‌تواند منجر به تغییر نگرش‌ها و حتی رفتارهای فردی و جمعی شود. تجربه نمایش مستند «شهر زنده» با موضوع تنوع‌زیستی تهران نشان داد بسیاری از مخاطبان باور نمی‌کردند پایتختی که هر روز در دود و ازدحامش زندگی می‌کنند، چنین گنجینه پنهانی از پرندگان، پستانداران و گونه‌های گیاهی را در دل خود داده است. بسیاری با شگفتی از سالن بیرون می‌آمدند و نگاهشان به شهر تغییر کرده بود؛ شهری که تا پیش‌از آن تنها درختان خیابان و برج‌های سیمانی‌اش را می‌دیدند، ناگهان برایشان به زیستگاهی زنده و ارزشمند بدل شد.

نمایش فیلم «در گرداب انقراض» ساخته «فتح‌الله امیری» و تأثیر شگرفی که بر تماشاگران گذاشت، نشان داد اگر بحران‌های محیط‌زیستی به‌درستی و با تأمل برای مردم بازگو شوند، شاید امروز شاهد انقراض یوز در زمانه خودمان نبودیم. این تجربه قدرت اطلاع‌رسانی و بیدارسازی سینمای مستند را به‌روشنی آشکار می‌کند و اهمیت آموزش و آگاهی عمومی در حفظ گونه‌های در حال خطر را برجسته می‌سازد.

در سحلی جهانی، فیلم «جهان تشنه» ساخته بیان آرتوس-برتران» با بررسی میزان بسیار اندک آب شیرین و قابل‌شرب در جهان و نمایش پیامدهای بحران آب و منازعاتی که بر سر منابع آب در کشورهای آفریقایی رخ داده، تماشاگر را مستقیماً با ابعاد انسانی و اخلاقی بحران آب روبرو می‌کند. این فیلم نشان می‌دهد آب تنها عنصری طبیعی، بلکه مسئله‌ای حیاتی، اخلاقی و انسانی است که امنیت، عدالت و زندگی میلیون‌ها انسان را شکل می‌دهد. مخاطب با هر صحنه‌ای که می‌بیند، دچار تحول و دگرگونی درونی می‌شود و تجربه‌ای شبیه کاتارسیس واقعی را تجربه می‌کند؛ پاکسازی روانی و اخلاقی که او را از بی‌خبری و بی‌تفاوتی بیرون می‌کشد و با حس مسئولیت و آگاهی جدیدی نسبت به جهان و طبیعت تنها نمی‌گذارد.

از منظر سینمایی، این رویکرد فرصتی برای تنوع‌بخشی به برنامه‌های نمایشی است. بسیاری از مخاطبان امروز، به‌ویژه نسل جوان، در جست‌وجوی محتوایی هستند که علاوه‌بر سرگرمی، معنا و مسئولیت اجتماعی نیز به‌همراه داشته باشد. مواجهه آنان با چنین فیلم‌هایی نشان داده که سینمای مستند می‌تواند به‌اندازه آثار داستانی، جذب‌کننده و تأثیرگذار باشد.

همچنین، اختصاص سانس‌های محیط‌زیستی می‌تواند به اقتصاد سینما کمک کند. اسپانسرهای حوزه انرژی پاک، گردشگری پایدار یا حتی برندهای دوستدار محیط‌زیست، تمایل دارند با چنین رویدادهایی همراه شوند. این همکاری، چرخه‌ای برد-برد میان سینما، جامعه و محیط‌زیست ایجاد می‌کند.

از نظر محیط‌زیستی نیز نمایش منظم این آثار به ایجاد «سرمایه اجتماعی سبز» کمک می‌کند؛ یعنی جامعه‌ای که حساس‌تر، مشارکت‌جوتر و مسئولانه‌تر با طبیعت رفتار می‌کند. در شرایطی که ایران با بحران‌های متعددی از جمله کم‌آبی، آلودگی هوا و تخریب زیستگاه‌ها روبرو است، نقش چنین آثاری در بیدارسازی افکار عمومی انکارناپذیر است.

بنابراین، گنجاندن سانس‌های محیط‌زیستی در برنامه سینماها، نه‌تنها ضرورتی فرهنگی بلکه ضرورتی زیست‌محیطی است؛ اقدامی که می‌تواند پلی میان هنر، آگاهی و نجات سیاره زمین ایجاد کند.

هنوز فراموش نکرده‌ایم که اسمال یک توله‌خرس قهوه‌ای در مرکز تیمار و مراقبت پردیسان تهران درست جلوی چشم سازمان مفقود شد و هرگز رد و نشانی از آن به‌دست نیامد؛ دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین باغ‌وحش‌های کشور نیز نظیر نداشته است. اگر این اتفاق در یک باغ‌وحش رخ داده بود سازمان با آنجا چه می‌کرد؟



جانوران در این مسیر استوار می‌مانند. برای آنان که می‌خواهند محیطیان شوند، باید گفت این راه بیش از هر چیز نیازمند علاقه، صبر و روحیه ایثار است. دانش، مردم‌داری، زبان شیوا و قدرت جذب، قدرت جسمی و شجاعت، سلامت روان، ایزاری هستند



## انتخاب راهی سبز برای آنان که می‌خواهند محیطبان شوند

در شغل محیطبانی شجاعت و مسئولیت‌پذیری؛ ضرورت دارد. گاهی باید از جان خود برای حفظ جان دیگر موجودات هزینه کنید. چه بسیار محیطبانان شجاعی که در راه حفاظت جان خود را از دست دادند و حتی جانباز و زخمی شدند. محیطبان بودن یعنی انتخاب راهی پرچالش، اما پرازش و پرفرور؛ یعنی ایجاد آرامش را در زیستگاه‌ها که تنها صدای پرندگان شنیده می‌شود، خنکای نسیم کوهستان و لبخند یک حیوان رهاشده از دام... اگر آماده‌اید که نگهبان خاموش اما مؤثر این سرزمین باشید، محیطبانی انتخابی است که نه‌تنها زندگی شما، که آینده طبیعت ایران را دگرگون خواهد کرد. محیطبانی شغلی فراتر از یک حرفه است. آنها کسانی هستند که با وجود سختی‌های کار، با عشق به زمین و

آنها را در این مسیر استوار نگه می‌دارد. برای محیطبان شدن، عشق به طبیعت باید در رگ‌های شما جاری باشد. بدون علاقه قلبی، سختی‌های مسیر طاقت‌فرسا خواهد شد. صبر و استقامت همراه همیشگی شماس است. گاه ساعت‌ها در گرما یا سرما باید راه بروید موتورسواری و گشت‌زنی کنید بی‌آنکه کسی شما را ببیند. بدانید دانش و آگاهی چراغ راه شماس است. شناخت حیات‌وحش، قوانین محیط‌زیست و مهارت‌های زیستی، بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر شماس است. از همین روست که محیطبانان با تحصیلات آکادمیک هر روز خود را قوی‌تر می‌کنند. در کنار آن، دانش فضای مجازی و تولید محتوا برای در راستای فرهنگسازی و همراه کردن مردم در حفاظت و آشنایی با اهمیت مشارکت و ارزش تنوع‌زیستی ایران نیز لازم است.



امید عزت‌پور | محیطبان

محیطبانی فقط یک شغل نیست، بلکه پیمانی است با طبیعت؛ پیمانی برای پاسداری از جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، کوه‌ها و همه جاندارانی که در این سرزمین زندگی می‌کنند. محیطبانان پاسداران خاموش جنگل‌ها، مراتع و حیات‌وحش هستند؛ کسانی که با وجود سختی‌های کارشان، عشق به زمین و جانوران،





خبر

## بیشترین تصادف‌ها در شهریور رخ می‌دهد

رئیس پلیس‌راه کشور اعلام کرد: شهریورماه به‌دلیل افزایش حجم سفرهای تابستانی، بیشترین میزان تصادفات و جان‌باختگان حوادث رانندگی را به خود اختصاص می‌دهد. به همین دلیل، پلیس با اجرای طرح‌های ویژه ترافیکی و بازدارنده تلاش دارد این آمار را کاهش دهد.

«احمد کریمی‌اسد» توضیح داد: در شهریورماه عمده محوره‌ای برون‌شهری کشور شاهد بیشترین میزان تقاضای سفر هستند. این درحالی‌است که برخی از این مسیرها در ایام عادی سال ترافیک سنگینی تجربه نمی‌کنند. او افزود: به‌دلیل باقی‌ماندن مدت محدودی از تعطیلات تابستانی و همزمانی با تعطیلی مراکز آموزشی، شهریورماه فرصتی برای سفر هوپطنان به‌ویژه به استان‌های زیارتی و سیاحتی محسوب می‌شود. پیش‌بینی ما این است که در نیمه دوم شهریور اوج تقاضای سفر را شاهد باشیم؛ شرایطی که به ایام نوروز شباهت دارد. به‌گفته رئیس پلیس‌راه کشور، محوره‌های منتهی به استان‌های شمالی و سواحل دریای خزر، همچنین مسیرهای منتهی به استان‌های زیارتی، حتی در روزهای عادی شهریور با ترافیک بالایی مواجه هستند و پلیس در مواردی ناچار به اجرای طرح یک‌طرفه‌کردن جاده‌ها شده است؛ اقدامی که در دیگر ایام سال سابقه ندارد. کریمی‌اسد تأکید کرد: برای مدیریت ترافیک در شهریور، علاوه بر بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های گشتی پلیس‌راه، از تیم‌های انتظامی نیز برای کمک به مدیریت تردد استفاده می‌کنیم. همچنین، تیم‌های موتورسوار پلیس در محوره‌های پرترافیک مستقر خواهند شد. او با بیان اینکه اقدامات بازدارنده هم در دستورکار قرار دارد، خاطرنشان کرد: اجازه نخواهیم داد تعداد محدودی از رانندگان حادثه‌ساز -که کمتر از هشت درصد رانندگان را تشکیل می‌دهند- رفتارهای پرخطر امنیت جاده‌ها را مختل کنند. بر همین اساس، خط قرمزها به‌طور کامل به تیم‌های گشتی ابلاغ شده و سامانه‌های هوشمند ثبت تخلفات نیز در محوره‌های مواصلاتی فعال است.

رئیس پلیس‌راه کشور از اجرای طرح توقیف سیستمی گواهینامه رانندگان متخلف خبر داد و گفت: به دستور فرمانده پلیس راهور، هر راننده‌ای که مرتکب تخلف حادثه‌ساز شود، به‌طور سیستمی از ادامه رانندگی محروم می‌شود. براساس قانون، پس از محرومیت سیستمی، رانندگی برای این افراد جرم محسوب می‌شود و مراجع قضائی نیز در این زمینه تصمیم‌گیری خواهند کرد. او ادامه داد: از ابتدا تا نیمه شهریورماه بیش از ۶۲ هزار راننده مشمول توقیف سیستمی گواهینامه شدند. این افراد تا سه ماه حق رانندگی ندارند. خوشبختانه در روزهای اخیر با اجرای این طرح شاهد کاهش تخلفات بوده‌ایم که جای قدرتی از مردم دارد. کریمی‌اسد با اشاره به وضعیت نگران‌کننده شهریورسال گذشته گفت: در شهریورماه ۱۴۰۳ بیش از یک‌هزار و ۵۳۷ نفر از هوپطنان بر اثر تصادفات جاده‌ای جان خود را از دست دادند. به‌گفته او، این آمار نشان می‌دهد شهریور یکی از خون‌بارترین ماه‌ها در حوزه حوادث رانندگی است. پلیس از هوپطنان می‌خواهد با رعایت قوانین و صبور و رانندگی، به حفظ جان خود و دیگران کمک کنند. اپیرنا



## چگونه ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی به انقلاب تبدیل شد؟

# اعتراض نسل Z در نپال

ایپام ما| هفته‌ای پر تنش و خونین در نپال به پایان رسید؛ خیابان‌های کاتماندو شاهد اعتراض گسترده جوانان نسل زد علیه فساد سیاسی و ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی بود. معترضان جوان فریاد زدند: «اکنون نوبت ماست.» آنها وارد پارلمان شدند، ساختمان‌های دولتی و هتل‌های لوکس را به آتش کشیدند و با گسترش اعتراضات، هزاران زندانی در سراسر کشور از زندان‌ها گریختند. حکومت با خشونت به آنها پاسخ داد و طبق اعلام پلیس تا روز جمعه، ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور) دست‌کم ۵۱ نفر جان خود را از دست دادند. اگرچه ممنوعیت دولت برده‌ها شبکه اجتماعی جرقه این قیام بزرگ بود، اما ریشه آن به سال‌ها نارضایتی و خشم از سیاستمداران فاسد و خودمحمور نپال برمی‌گشت.

بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی روبه‌رو است و کمبود شغل میلیون‌ها نفر را به جست‌وجوی کار در کشورهای دیگر واداشته است. جوانان نیالی سال‌هاست از این وضع به ستوه آمده‌اند و میلیون‌ها تن از آنان برای کار، عمدتاً در پروژه‌های ساختمانی، راهی خاورمیانه، کره جنوبی و مالزی شده‌اند و از آنجا برای خانواده‌هایشان پول می‌فرستند.

### اعتراضات چطور آغاز شد؟

جرقه اصلی اعتراضات، روز چهارم سپتامبر شکل گرفت. در آن روز دولت نیال ۲۶ شبکه اجتماعی از جمله فیس‌بوک، واتساپ، اینستاگرام، یوتیوب و وی‌چت را ممنوع اعلام کرد. این دستور ارتباطات نزدیک به دو میلیون نیالی شاغل در خارج از کشور را که برای ارتباط با خانواده‌هایشان به این اپلیکیشن‌ها وابسته‌اند، مختل کرد و به بخش گردشگری کشور آسیب رساند. جوانان نیالی این ممنوعیت را تلاشی برای خاموش کردن صدای اعتراض تلقی کردند و هشتگ‌هایی مانند #NepoKids (برای اشاره به زندگی تجملی فرزندان سیاستمداران در کشوری که نرخ بیکاری جوانان حدود ۲۰ درصد است) در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد و خشم عمومی را شعله‌ور کرد.

یکی از معترضان به خبرگزاری آسوشیوئدپرس گفته است: «بعد از همه اینها، آنچه می‌خواهیم صلح است. احساس می‌کنم نباید این‌همه تخریب اتفاق می‌افتاد، اما چیزی است که اتفاق افتاده.»

### ۸ سپتامبر: سرکوب، همه‌چیز را تغییر داد

روز هشتم سپتامبر انجمن‌های دانشجویی و فعالان نسل زد

راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز در کاتماندو علیه ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی برگزار کردند. معترضان در نزدیکی پارلمان جمع شدند و بزرگراه‌ها را مسدود کردند. تا عصر همان روز، نیروهای امنیتی با گاز اشک‌آور، گلوله‌های پلاستیکی و تیراندازی مستقیم به جمعیت پاسخ دادند. «ساوراو»، دانشجوی ۱۸ساله‌ای که در بیمارستانی در کاتماندو تحت درمان است، به گاردین می‌گوید: «خشونت در روز دوشنبه پیمان از تیراندازی پلیس به جمعیت عظیم جلوی ساختمان پارلمان در کاتماندو رخ داد، توسط گروه‌هایی خارج از جنبش اصلی ضد فساد آغاز شد. وقتی تیراندازی آغاز شد، یکی از معترضان که جلوی من ایستاده بود، به سینه‌اش شلیک شد و همان‌جا جان باخت. کشتن مردم، انسانی نیست. منترج‌کننده است.»

### ۹ سپتامبر: گسترش اعتراضات به خشونت سراسری

یک روز بعد، اعتراضات به شورش‌های خشونت‌آمیز تبدیل شد. معترضان مقررات منع آموشد را نادیده گرفتند، وارد پارلمان و دیوان عالی شدند و دفتر ریاست‌جمهوری و اقامتگاه‌های سیاستمداران از جمله کلبی شارما اولی و دست‌کم چهار نخست‌وزیر سابق را به آتش کشیدند. ادارات دولتی، ایستگاه‌های پلیس، نمایشگاه‌های خودرو و

حتی بزرگ‌ترین رسانه نپال، «گروه رسانه‌های کانتیبور»، مورد حمله قرار گرفتند. آشوب‌ها حتی فراتر از کاتماندو گسترش یافت و به فرودگاه‌ها و هتل‌ها رسید. کسب‌وکارها غارت شدند. فرودگاه بین‌المللی «تریپوان» در کاتماندو برای مدتی بسته شد و سپس تحت حفاظت شدید نظامی بازگشایی شد.

طبق گزارش روزنامه Times of India سازمان‌دهندگان اعتراضات نسل زد تأکید کرده‌اند که هسته اصلی جنبش خواستار اعتراضات مسالمت‌آمیز بوده است. «تا‌نوزا پانده»، از فعالان معترض می‌گوید: «کشتن مردم، تخریب اموال، خرابکاری و غارت کار نسل ما نیست. ما به‌دنبال پیشرفت بودیم، نه اینکه همه‌چیز را حداقل ۱۰ سال به عقب برگردانیم.» وسعت خشونت، نظام بهداشت و درمان نیال را تحت فشار قرار داده است. به‌گفته وزارت بهداشت، ۲۸ بیمارستان در سراسر کشور به درمان مجروحان مشغول‌اند.

### دولت سقوط کرد

بعد از ظهر روز دوم اعتراضات، با افزایش فشارها، پس از آنکه معترضان وارد دفتر نخست‌وزیر شدند و آن را آتش زدند، کلبی شارما اولی مجبور به استعفا شد و چند وزیر و نماینده مجلس هم کناره‌گیری کردند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که نخست‌وزیر به یک یادگان نظامی گریخته است. در نهایت استعفای او سیستم سیاسی نیال را فلج کرد. در این شرایط درخواست‌ها برای تشکیل دولت انتقالی هم پیچیده و بی‌سرانجام بود.

### ۱۰ سپتامبر: ارتش وارد شد

تا ۱۰ سپتامبر، ارتش کنترل کاتماندو و سایر شهرها را به‌دست گرفت. مرزها با هند را بست و از شهروندان خواست تا سلاح‌ها و مهمات غارت‌شده را تحویل دهند. سربازان در خیابان‌ها گشت زدند، آوارها را پاکسازی کردند و از تلاش‌های فرار از زندان جلوگیری کردند. در پایتخت، مردم در فاصله‌های کوتاه منع آموشد برای خرید برنج، سبزیجات و گوشت از خانه‌ها بیرون آمدند و برخی به معابد رفتند تا برای صلح دعا کنند.

با بی‌ثباتی قدرت سیاسی، ارتش نیال گفت‌وگوهایی با نمایندگان معترضان آغاز کرد. ژنرال «آشوک راج سینگدل» با رهبران نسل زد دیدار کرد و آنها خواستار برگزاری زودهنگام انتخابات و «سوشیلا کارکی»، رئیس سابق دادگستری دیوان عالی نیال، را برای رهبری موقت معرفی کردند. کارکی گفته است در صورت انتصاب رسمی، این سمت را خواهد پذیرفت. بااین‌حال، برخی گروه‌ها با نامزدی او مخالفت کرده‌اند.

جنبش نسل زد رهبری مرکزی ندارد، اما خواسته‌های آن روشن است: پایان فساد، پاسخگویی در مورد تیراندازی‌های پلیس و اصلاحات سیاسی. بسیاری از جوانان همچنین خواستار برگزاری انتخابات تازه هستند. «راکشیا بام»، یکی از رهبران اعتراضات، به نیویورک‌تایمز گفت معترضان رسماً سوشیلا کارکی را برای رهبری یک دولت موقت معرفی کرده‌اند. بااین‌حال، اعتراضات شکاف‌های نسلی نیز ایجاد کرده است. «ابتدا این اعتراضات حمایت گسترده‌ای از جمعیت جوان نسل زد دریافت کرد و بعداً با حمایت نسل ایکس و همچنین گروه‌های دیگر همراه شد.»

### چه آینده‌ای در پیش است؟

آینده نیالی همچنان نامشخص است. ارتش روشن نکرده که آیا مستقیماً کشور را اداره خواهد کرد، یک دولت موقت غیرنظامی را تسهیل می‌کند یا انتخابات تازه‌ای برگزار می‌کند. جنبش نسل زد، هرچند پرانرژی، همچنان غیرمتمرکز است و با چالش تبدیل اعتراضات گسترده به سازمان سیاسی مواجه است. از طرف دیگر احزاب سنتی، که به‌دلیل خشم عمومی تضعیف شده‌اند، همچنان خواستار پیروی از رویه‌های قانونی هستند. اکنون پس از یک هفته خونین، نشانه‌هایی از بازگشت شرایط عادی در کاتماندو دیده می‌شود؛ خودروها در خیابان‌ها تردد می‌کنند و نیروهای پلیس که اوایل هفته پیش اسلحه‌بدهست بودند، اکنون باتون حمل می‌کنند. بعضی خیابان‌ها هنوز مسدود است، اما گشت‌های نظامی با تعداد کمتری نسبت به قبل انجام می‌شود. ساختمان‌های دولتی تخریب شده‌اند و میلیون‌ها نیالی همچنان در انتظارند تا ببینند چه کسی رهبری کشور را برعهده خواهد گرفت.

## معارضان خواستار استعفای رئیس‌جمهور اکوادور شدند

جرایم سازمان‌یافته است، زیرا خشونت در سراسر کشور در حال افزایش است. مقامات تا این لحظه تعداد زخمی‌ها یا بازداشت‌شدگان در پی نازارهای روز پنج‌شنبه را گزارش نکرده‌اند. این اعتراضات در پی اجرای سیاست‌های اقتصادی جدید از سوی دولت نوپوا آغاز شده است. دولت با هدف کاهش کسری بودجه و دریافت حمایت مالی از صندوق بین‌المللی پول، اقدام به کاهش یارانه‌های سوختی و اقدامات با واکنش شدید مردم مواجه شده و اعتراضات گسترده‌ای را در پی داشته است. در پی این اعتراضات، رئیس‌جمهور اکوادور با شرکت تظاهرات عمومی از تصمیمات دفاع کرد. او این تصمیمات را ضرورتی برای مقابله با بحران اقتصادی این کشور دانسته است.



ایپام ما| معترضان در اکوادور به دلیل اعمال کاهش دستمزدها و اخراج گسترده کارکنان دولتی خواستار استعفای رییس‌جمهور این کشور شدند. روز پنج‌شنبه، ۲۱ شهریور ۱۴۰۴ (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵)، در کیتو، پایتخت اکوادور، درگیری‌هایی میان معترضان و نیروهای پلیس رخ داد. معترضان علیه سیاست‌های اقتصادی دولت دانیل نوپوا، رئیس‌جمهور اکوادور، تظاهرات کردند و خواستار استعفای او به‌خاطر کاهش دستمزدها و اخراج‌های گسترده در بخش دولتی شدند. به گزارش یورونیوز، معترضان ابتدا به سوی مرکز شهر، جایی که کاخ ریاست‌جمهوری قرار دارد، حرکت کردند و سپس با نیروهای پلیس روبه‌رو شدند. مقامات برای پراکنده کردن معترضان که در یک میدان جمع شده بودند، گاز اشک‌آور شلیک کردند و این درگیری‌ها باعث شد تظاهرات زودتر از موعد پایان یابد. نوپوا که از ماه مه دوران دوم ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرده است، اقدامات ریاضتی‌ای را اجرا کرده که منجر به هزاران اخراج در بخش دولتی شده است. دولت اعلام کرده اولویت آن همچنان مبارزه با

### نوبت اول

## آگهی تجدید مناقسه عمومی یک‌مر حله‌ای

شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان در نظر دارد به استناد قانون برگزاری مناقصات - مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، از محل اعتبارات داخلی شرکت آب‌وفاضلاب، بمنظور انجام خدماتی به شرح ذیل از کلیه شرکت‌های واجد شرایط جهت شرکت در مناقسه دعوت به عمل آورد.

### ۱-کارفرما: شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان

### ۲-موضوع مناقسه: عملیات اجرایی نصب اشعاعات آب شهرهای ایرانشهر محمدان، بمپور، بزمان، دلگان و شهرهای تابعه

### ۳-دستگاه نظارت: معاونت بهره‌برداری و توسعه آب کارفرما

### ۴-مدت اجرای کار: حداکثر زمان انجام کار ۱۲ ماه پس از تاریخ ابلاغ قرارداد در شهرهای ایرانشهر، محمدان، بمپور، بزمان، دلگان می‌باشد.

### ۵-رشته و پایه پیمانکار: اشخاص حقوقی دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته آب (حداقل پایه ۵)

### ۶-مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۳۸۲۰۰۰۰۰۰ (سه میلیارد و هشتصد و بیست میلیون) ریال می‌باشد.

### ۷-نوع تضمین: مطابق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن

### ۸-تاریخ و مهلت تهیه و تحویل اسناد مناقسه:

مهلت تهیه اسناد مناقسه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ می‌باشد.

آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقسه ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ می‌باشد.

تاریخ بازگشایی پاکات ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ می‌باشد.

لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند پس از انتشار فراخوان با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) و با پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ (پنج میلیون ریال)، اسناد مناقسه را دریافت و با توجه به مندرجات اسناد مناقسه و در مواعد زمانی مندرج در سامانه، مدارک لازم شامل پاکات (الف)، (ب) و (ج) را مطابق با شرایط مناقسه تهیه و بصورت فایل‌های pdf در سامانه فوق بارگذاری نمایند.

آدرس وب سایت: [www.abfasb.ir](http://www.abfasb.ir)

«به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.»

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

دفتر قراردادها- شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان

### خبر



عکس نوشت

عکاس: محمد عطایی - ایرنا



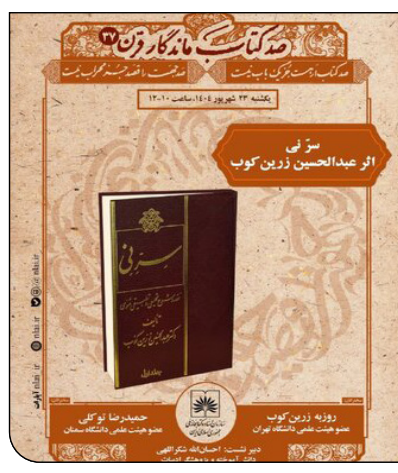
پدیده گردوغبار که هرچند سال یکبار در جنگل‌های هیرکانی رخ می‌داد، اکنون چندین بار در سال تکرار می‌شود و شدت آن در پی افزایش دمای حدی و تغییرات فشار جوی به مراتب بیشتر شده است. براساس مطالعات سازمان منابع طبیعی، ۳۰۶ هزار هکتار از مراتع شمالی گلستان در معرض بیابان‌زایی قرار دارند و این زنگ خطر جدی نهنتهای برای گلستان بلکه برای استان‌های همجوار است.

چهره |  
**وداع با دف‌نواز برجسته کردستان**



«سید علاءالدین یاسینی»، پیشکسوت برجسته دف‌نوازی کردستان و داور هجدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان، در سن ۵۸سالگی بر اثر حمله قلبی در بیمارستان بیچار درگذشت. او از شاگردان «خلیفه کریم صفتی» و فرزند «صدیق یاسینی» بود. یاسینی با تسلط بر مقام‌های خانقاهی و مولودی‌خوانی، هنرش را به‌صورت افتخاری به صدها علاقه‌مند آموزش داد. او سابقه داوری در جشنواره‌های مختلف را داشت و در دهها برنامه داخلی و خارجی اجرا کرده بود. | مهر

نشست |  
**بررسی «سزنی» عبدالحسین زرین‌کوب**



در سی‌وهفتمین نشست «صد کتاب ماندگار قرن»، کتاب «سزنی» اثر «عبدالحسین زرین‌کوب» نقد و بررسی می‌شود. این نشست روز یکشنبه، ۲۳ شهریور ۱۴۰۴، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار خواهد شد. «روزبه زرین‌کوب» و «حمیدرضا تولگی» به‌عنوان سخنران و «احسان شکراللهی» به‌عنوان دبیر جلسه، حضور دارند. سزنی اثری تحلیلی بر مثنوی مولوی است که با نثری فصیح و رویکردی انتقادی، مولوی را نه صرفاً شاعری عارف، بلکه اندیشمندی فراملی معرفی می‌کند. | ایستنا

دیدگاه |  
**نگاهی به سیر تحول و تطور پوسترهای فیلم به‌بهانه روز ملی سینما**

**دو قران برای علاءالدوله**



روسی‌خان، مقابل خانه امیرنظام. بلبیت‌های واردین دو قران و سه قران است. این نشانی نخستین آگهی نمایش فیلم در مطبوعات ایران در مهر ۱۲۸۶ است.

«دختر لر» به سال ۱۳۱۲ اولین پوستر رنگی سینمای ایران است که از تصویر و متن در کنار هم استفاده شده و «روح‌انگیز سامی‌نژاد»، اولین زن بازیگر ایرانی، حالا روی پوستر ایستاده است. از اواخر دهه ۲۰ پوسترها شناسنامه‌دار می‌شوند و نام کارگردان و بازیگران در کنار نقاشی‌هایی که شبیه پرده نقالی‌اند، این سبک از طراحی که به‌ظاهر به مذاق تهیه‌کننده و بازار خوشایند بود تا اواخر دهه ۶۰ هم‌چنان دیده می‌شود. اما برای من قسمتی از این تاریخچه جذاب است که هیچ‌گاه تکرار نشد. اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ نسلی در گرافیک پوستر فیلم‌های ایران، ساختار شکنانه پا به میدان می‌گذارد که حالا ما شاهد پوسترهایی

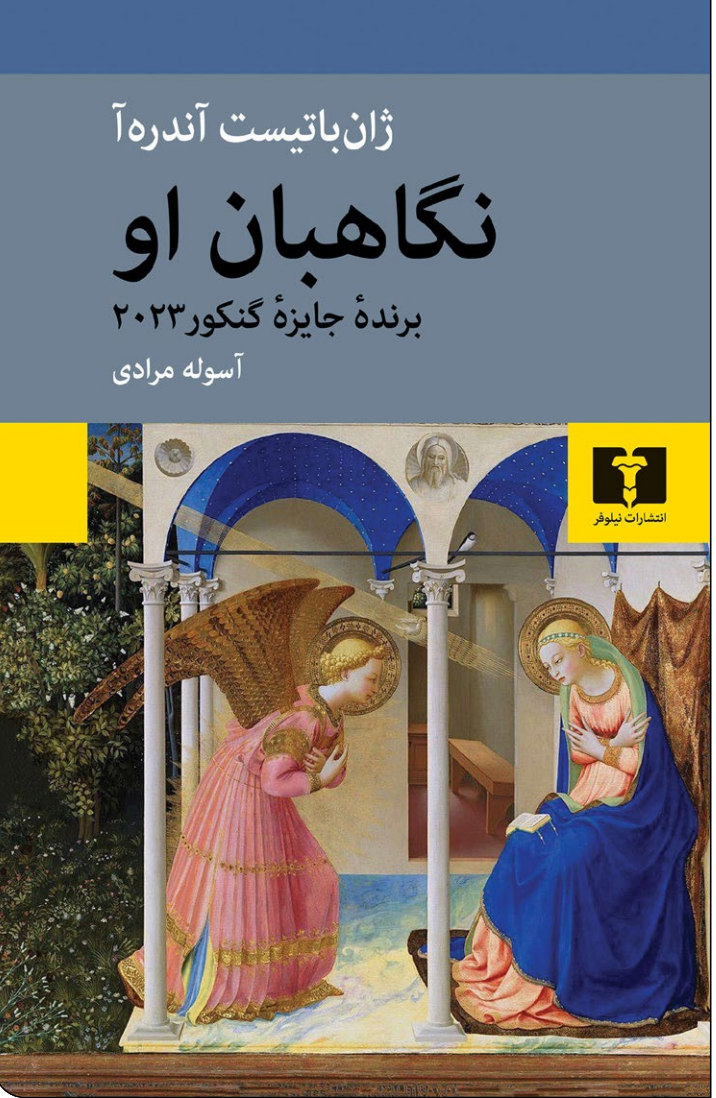
هستیم که به متن، تصویر و ایده‌پردازی به یک‌اندازه اهمیت می‌دهند. نسلی که حتی در قطع متداول پوسترها دست می‌برند. رنگ‌ها و قرارگیری متن در کنار تصویر جسورانه است. جدا از نگاه به بازار به مفهوم مستقل پوستر اهمیت می‌دهند. برای هر فیلم لوگوتایپ مشخص طراحی می‌شود و از فرم به ماهیت پوستر هویت می‌بخشد. برجسته‌ترین طراحان این نسل تکرارنشده‌ی «مرتضی ممیز»، «فرشید مثقالی»، «قیاد شیوا»، «عباس کیارستمی»، «ابراهیم حقیقی» و «آیدین آغداشلو» بودند. اولین پوسترهای که می‌توانیم می‌کنند پوستر فیلم «گاو» «داریوش مهرجویی»، اثر فرشید مثقالی است. از نقاشی‌های پررنگ و لعاب خیری نیست. کادر کشیده و عمودی با حاشیه زرد خالص، لوگوتایپ گاو به رنگ آبی، شناسنامه عوامل در یک‌سوم بالایی فرم اصلی پوستر و تکرار تصویر «عزت‌الله انتظامی» که در انتها با سر یک گاو ترکیب می‌شود. وحدت متن، سکوت‌های حساب‌شده سفید، انتخاب رنگ جسورانه و فونت متفاوت، دنیای جدیدی از دریچه نگاه نسل نو نشان می‌دهد.

از دهه ۶۰ به‌بعد، شاهد سانسور و موج جدیدی از طراحی در پوستر هستیم. تهیه‌کننده نقش مهمی در تعیین زیبایی‌شناسی عمومی پیدا می‌کند. برای هر فیلم اغلب دو پوستر طراحی می‌شود؛ یکی برای بازار و دیگری شاید کمی مفهومی! سینما به‌عنوان صنعتی دیده می‌شود که مسئولیت فروش فیلم سطح پایین بر گردن طراح پوستر می‌افتد. پوستر را نجات‌دهنده گیشه می‌دانند، اما بدون اعتماد به تخصص طراح پوستر، این اتفاق با ظهور فتوشاپ و ورود ابزار فنی به‌طور کلی دست هنرمند را برای همیشه بسته نگاه‌داشت. جذابیت‌های این ابزار، زیبایی‌شناسی را تغییر داد. با وجود ابزار پیش‌تر، فونت‌ها دفرمه و بدسلیقه و محدود استفاده شد. تصاویر سوپرستارها در بزرگ‌ترین حالت خود روی صفحه پوستر خودنمایی می‌کرد و خبری از ترکیب‌بندی، ایده‌پردازی و تکنیک با وجود وجود ابزارها نبود!

نسل پوسترهای «کله‌ای»! از دهه ۸۰ تا همین امروز، سینمای ایران شاهد نسلی از طراحان بود که برای یک‌بار هم قلم به دست نگرفته بود و شناختی از اتانومی و طراحی دستی نداشت. میانی عملی بدون حضور کامپیوترها را نگذرانده بود و شناختی از بافت و چاپ و ترام نداشت. در نتیجه، شاهد نسل جدیدی از طراحی پوستر در سینما هستیم که به لطف سلیقه‌تحمیلی اکثر تهیه‌کننده، طراحان محدودی که این بخش از گرافیک را در دست دارند، تلاشی برای نوآوری و ساختار شکنی نمی‌کنند و به‌طور کلی ایده‌پردازی و طراحی جسورانه دیگر نقشی در پوسترها ندارد. و هزارافسوس اگر دیگر نسلی چون ممیز و شیوا و مثقالی و کیارستمی هیچ‌وقت پا به این میدان نگذارند و سلیقه درست را به گیشه سینما هدیه ندهند.

قفسه |  
**نگاهی به کتاب «نگاهبان او»، برنده جایزه گنکور ۲۰۲۳**

**شکندگی عشق**



مرمینش در یکی از اتاق‌های محافظت‌شده ساکرا پنهان شده است. او که هیچ‌کس بعد از دیدنش، بدون اینکه دقیقاً بداند چرا، همان آدم قبلی نمانده است. میمو در ساعات پایانی زندگی‌اش، برای ما داستان ساختن «او» را تعریف می‌کند. میمو در زندگی دو جنگ بزرگ را از سر گذرانده است و دوران شکوفایی‌اش در میان دو جنگ و هنگام برآمدن فاشیست‌ها بوده است. او پس از مرگ پدر مجسمه‌سازش در جنگ اول، به ایتالیا و نزد عمویش فرستاده می‌شود تا حرفه مجسمه‌سازی را بیاموزد؛ اما او که مبتلا به آکندروپلازی است و بدنش فراموش کرده رشد کند، توسط عمویش مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. میمو در این بین با دختری به‌نام «ویولا» آشنا می‌شود که دختر مارکی و مارکیز اوریسینی است. ویولا رها و جاهطلب است، می‌خواهد پرواز کند، ماری کوری بعدی باشد و میمو را

سپهر پیش‌بین نویسنده |

مجمعه‌سازی خیلی ساده است. فقط باید لایه‌های داستان‌ها، افسانه‌ها و همه آن چیزهایی را که بی‌فایده‌اند، کنار بزنیم، تا به داستانی برسیم که به همه ما مربوط می‌شود، به تو، به من، به این شهر، به کل این سرزمین، داستانی که دیگر نمی‌توان آن را فروگاست، بی‌آنکه آسینو نبیند. و آنجاست که باید دست از ضربه‌ی زدن کشید. «میگل آنجلو ویتالیانی» که «میمو» صدایش می‌زند، مجسمه‌ساز مشهور ایتالیایی، در صومعه‌ای بر بستر مرگ افتاده است. میمو اینجاست که نگاهبان «او» باشد. او که بدن

شیفته خودش می‌کند. عشقی افلاطونی که میمو داستان آن را، که طی دهه‌ها طول می‌کشد، برایمان بازگو می‌کند. کتاب «نگاهبان او»، نوشته «ژان باتیست آندره»، در سال ۲۰۲۳ برنده جایزه معتبر گنکور شده است. سبک کتاب متمایز و شاعرانه است و آندره این نثر ادبی را با ساختار کلاسیک رمان‌های تاریخی ترکیب می‌کند و بدین‌ترتیب علاوه‌بر نثر خوب، داستانی نیز می‌کند. آندره رمانش را با زبانی بسیار تصویری نوشته است: جملات طولانی و موسیقایی و پر از جزئیات حسی مثل رنگ‌ها، بوها، نور، معماری و... توصیف‌های نقاشی‌وار آندره کاملاً با شخصیت میمو که یک هنرمند مجسمه‌ساز است، هماهنگی دارد؛ پنداری کتاب مجسمه‌ای است که آندره آن را با حوصله و دقت تراشیده است. وقتی کتاب را می‌خوانید گویی در حال دیدن فیلمی رنگی با موسیقی متن کلاسیک هستید. روایت آهسته است، پر از جزئیات و لحظه‌های ایستا؛ یک سمفونی طولانی و آرام. خواندن آن کمی حوصله می‌خواهد، ولی برای خواننده جدی ادبیات کشف‌های لذت‌بخشی به بار دارد.

این رمان صرفاً یک عاشقانه تاریخی نیست، بلکه لایه‌هایی از تأمل فلسفی در مورد هنر، قدرت، مذهب، زیباشناسی و آزادی دارد که به آن جذابیت بسیار می‌بخشد. شخصیت‌ها، به‌خصوص میمو و ویولا، خوب پرداخته شده‌اند، گویی شاعرانگی روایت تا عمق جان شخصیت‌ها نیز نفوذ کرده است. هرچند باید ادعا داشت که برخی از شخصیت‌ها مانند برادر فاشیست ویولا در حد تیپ باقی مانده‌اند. همچنین، رمان علاوه‌بر روایت فلسفی-روانشناسانه‌اش، بر بستری تاریخی رخ می‌دهد که بسیار دقیق توصیف شده است. پیرنگ داستان نیز بسیار قوی و جذاب است؛ پیرنگی که باعث می‌شود خواننده حدود ۵۰۰ صفحه رمان را با اشتیاق بخواند. تنها ایرادی که به بستر تاریخی رمان وارد است، بسنده کردن به روایت‌های سطحی از فاشیست‌ها و نقش واتیکان در جنگ است. همچنین، به‌اعتقاد نگارنده، پایان‌بندی کتاب نیز کمی شتابزده است و آندره می‌توانست با پرداخت بهتر، حس فرود بهتری را در خواننده ایجاد کند.

در مجموع با کتابی طرفایم که داستان‌گوست، نثر متمایزی دارد و نویسنده با توصیفات تصویری و تراشیدن بدنه داستان به‌منامه یک مجسمه‌ساز به آن غنای ادبی، تاریخی و زیباشناسانه داده است. رمان «نگاهبان او» (Veiller sur elle) نوشته نویسنده و کارگردان ۵۴ساله فرانسوی و با ترجمه آسوله مرادی در تابستان ۱۴۰۴ در ۷۷۰ نسخه، با ۴۸۸ صفحه، و به‌بهای ۴۸۵ هزار تومان، از سوی نشر نیلوفر به چاپ رسیده است. ترجمه‌ای تقریباً بی‌نقص که زبان شاعرانه و تصویری آندره را به‌خوبی حفظ کرده است.